

پدرسالاری چیست؟

نویسنده: کام‌لا باسین

مترجمان: اکرم قدیمی، فریبا گودرزی

۱۳۹۴

سرشناسه: باسین، کاملا، ۱۹۴۶-م.

Bhasin, Kamla

عنوان و نام پدیدآور: پدرسالاری چیست؟

مشخصات نشر: تهران، مؤسسه انتشاراتی آموزش عالی دانشیار، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۸۵ ص؛ ۱۹×۵/۹ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۹۴۱-۲-۵ ۹۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپای مختصر

یادداشت: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

یادداشت: عنوان اصلی: What is patriarchy?

شناسه افزوده: قدیمی، اکرم، ۱۳۴۴- مترجم

شناسه افزوده: گودرزی، فریبا، ۱۳۵۸- مترجم

پدرسالاری چیست؟

نویسنده: کاملا باسین

ترجمه: اکرم قدیمی، فریبا گودرزی

ویراستار: آریتا منوچهری قشقایی

طراح جلد و صفحه‌آرایی: مهتاب وکیلی

ناظر چاپ: سیاوش سلمان‌راد

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۹۴۱-۲-۵

ناشر: مؤسسه انتشاراتی آموزش عالی دانشیار

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴ نوبت چاپ: اول

چاپ و صحافی: عرفان

مرکز بخش: مؤسسه انتشاراتی آموزش عالی دانشیار

نشانی: تهران، خیابان سیدجمال‌الدین اسدآبادی، نبش

خیابان پانزدهم، پلاک ۱۴۹

تلفن: ۸۸۹۰۰۵۲۱

بها: ۹۰۰۰۰ ریال

صحت مطالب کتاب بر عهده مترجمان است.

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه مترجمان
۱۵	مقدمه نویسنده
۱۷	بخش اول پدرسالاری چیست؟
۴۷	بخش دوم خاستگاه پدرسالاری
۷۹	نتیجه گیری
۸۱	فهرست منابع
۸۳	منابع مقدمه مترجمان

پیشگفتار

این کتاب ترجمه کتاب "What is patriarchy?" از خانم کاملا باسین است. نویسنده تلاش کرده است واژه "پدرسالاری" را در قالبی ساده و جدید برای جامعه زنان هندی قابل درک و فهم سازد. همچنین خانم باسین واژه پدرسالاری را با نظریه‌های فمینیستی درهم آمیخته و با شیوه پرسش و پاسخ خواننده را با این مفهوم آشنا می‌سازد.

کاملا باسین متولد ۲۴ آوریل ۱۹۴۶، فعال و مربی جنسیت در حوزه فمینیستی در جنوب آسیا و پژوهشگر اجتماعی به شیوه آموزش‌محور است که در حوزه مسائل توسعه، آموزش و پرورش، جنس، رسانه‌ها و غیره کار کرده است. ایشان مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه راجستان اخذ کرده و با دریافت کمک هزینه تحصیلی مقطع دکترا را در دانشگاه منستر آلمان به اتمام رسانده است.

با توجه به خلأ ادبیات موجود در این حوزه، کتاب فوق در جای خود بسیار مفید و ارزنده است. به علاقمندان خواندن این کتاب توصیه می‌شود.

مقدمه مترجمان

واژه پدرسالاری از مفاهیمی است که همه روزه و در همه جا به گوش می‌خورد. در لابه‌لای اسناد تاریخی و در بطن همه جوامع، پدرسالاری واژه نام‌آشنایی است. نگاه‌های مثبت و منفی به این واژه به حدی گسترده است که اندیشمندان و متفکران هنوز در مورد آن به اجماع نرسیده و نتوانسته‌اند از واژه پدرسالاری تعریفی که مورد اجماع همگان باشد، ارائه کنند.

در زبان فارسی گاهی به غلط از واژه مردسالاری به جای پدرسالاری استفاده می‌شود. باید گفت کاربرد این دو به جای هم اشتباه رایج است. مردسالاری، نامی است برای نظام و ساختاری که از راه نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود زنان را زیر سلطه دارد [۱]. در حالی که پدرسالاری تنها برخی از جنبه‌های نظام مردسالارانه و اقتدار مردانه را شامل می‌شود و به گروه خاصی از مردان اشاره می‌کند [۲]. بنابراین، به متخصصان حوزه مطالعات

زنان توصیه می‌شود حتماً در کاربرد واژه‌ها، دقت کنند و همیشه واژه Patriarchy را به پدرسالاری ترجمه کنند زیرا در زبان انگلیسی واژه Patriarchy فقط برای پدرسالاری به کار برده می‌شود [۳].

در فرهنگ معین "پدرسالاری" اینگونه تعریف شده است: "پدرسالاری"، نوعی نظام اجتماعی و نظام دودمانی است که در آن پدر یا مسن‌ترین فرد ذکور طایفه، سرپرستی طایفه را بر عهده دارد [۴].

در ضمن لازم به یادآوری است که الگوی غالب در روابط خانوادگی از نظر جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان، الگوی "پدرسالاری" است. مهم‌ترین شاخص‌های "پدرسالاری" به شرح زیر است: ریاست پدر بر خانواده، پدر نسبی (انتقال نسب از طریق پدر)، پدر مکانی (رفتن زن پس از ازدواج به خانه شوهر) و پدر نامی (انتقال نام خانوادگی از پدر به فرزندان).

در مقابل این الگو، الگوی "مادرسالاری" قرار دارد که با شاخص‌های ریاست مادر، مادر نسبی، مادر مکانی و مادر نامی تعریف می‌شود [۵].

پدرسالاری، توسط "ماکس وبر"، برای نشان دادن نظام قدرت در جوامع سنتی به کار می‌رود. در جوامع پدرسالار و در قالب خانوار، اقتدار، از طریق وراثت به اعضای مذکر خانواده انتقال پیدا می‌کند. پدرسالاری نزد "وبر" وصف جوامع فئودالی است و مقوله‌ای بی‌ارتباط با جنسیت است. پدر در خانواده پدر سالار بر تمام اعضای خانواده - اعم از زن و مرد - سلطه دارد.

اگر از منظر جامعه‌شناسی سیاسی به موضوع پدرسالاری بنگریم، رابطه پدرسالارانه در قدرت سیاسی و ساختار پدر-سالارانه دولت چیزی نیست که فقط مختص جوامع سنتی

یا پیشامدرن و یا جوامع دارای حکومت‌های استبدادی بوده باشد، بلکه مدرنیته نیز به واسطه تأکید ویژه بر عقلانیت مدرن و قانون‌محوری بوروکراتیک و حتی سیاستگذاری در زمینه الگوهای مختلف مدرنیزاسیون و توسعه در جامعه و همچنین اقداماتی که در راستای کنترل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی انجام می‌گیرد، خود قسمی از "پدرسالاری" را به بار آورده است.

در ساده‌ترین معنا، هنگامی که شخصی چنان رفتار می‌کند که گویی او، پدر یا مادری است که با یک کودک سروکار دارد و رفاه و سعادت آن کودک مورد توجه اوست و قضاوت او در باب آنچه که مطلوب است، ارجحیت دارد، می‌توان گفت که در این حالت نوعی رفتار پدرسالارانه به وقوع پیوسته است.

فارغ از هرگونه ارزش‌گذاری، کاملاً روشن است که در این صورت آزادی فردی که در چنین رابطه‌ای در نقش کودک ظاهر شده، محدود خواهد شد.

واژه "پدرسالاری" اولین بار در دهه ۷۰ میلادی، در ادبیات فمینیستی به عنوان مفهومی که دارای اهمیت سیاسی است، کاربرد گسترده‌ای یافت [۱]. این واژه به معنای نظام اقتدار مردانه است که از راه نهادهای خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، زنان را مورد ستم و سرکوب قرار می‌دهد [۲]. در تمامی مظاهر تاریخی، جامعه مردسالار، چه فئودالی، چه سرمایه‌داری یا سوسیالیستی، نظام جنس، جنسیت و تبعیض اقتصادی به طور همزمان عمل می‌کند، خاستگاه مردسالاری، دسترسی بیشتر و گسترده‌تر مردان بر منابع و امتیازات ساختارهای سلطه، در داخل و خارج از خانه است [۶].

بنابراین برخی فمینیست‌ها مفهوم عام پدرسالاری را به کار گرفتند تا به وسیله آن سلطه فراگیر نظام مردسالار را که در همه عرصه‌های زندگی و حتی در شخصی‌ترین روابط میان زن و مرد رخنه کرده را نشان دهند، زیرا از نظر آنها هیچ رابطه‌ای میان زنان و مردان برقرار نمی‌شود، مگر اینکه بر اساس یک ستم جنسی و یک رابطه قدرت‌مدارانه استوار باشد.

نظریه فمینیستی معاصر، برای توصیف و تبیین وضعیت کهنتری زنان، شکل گرفته است؛ اما بر اساس پاسخ‌هایی که به سوال علت و منشأ کهنتری زنان، ارائه می‌شود در درون خود به گرایش‌های متعددی منشعب می‌شود. فمینیسم لیبرال، منشأ کهنتری زنان را نابرابری در حقوق و فرصت‌ها میان زنان و مردان می‌داند و معتقد است که با تغییر حقوق و قوانین موجود، مشکلات و مسائل موجود زنان کاملاً حل-شدنی است.

در تعریف پدرسالاری اتفاق نظری وجود ندارد ولی تعریف آدرین ریچ را می‌توان تا حدود زیادی منعکس کننده دیدگاه تمامی رادیکال فمینیست‌ها دانست:

پدرسالاری یک نظام خانوادگی-اجتماعی، ایدئولوژیک است که در آن مردان با استفاده از زور و فشار مستقیم یا با به کارگیری مناسک و مراسم، قانون و زبان، آداب و سنن، آداب معاشرت، آموزش و تقسیم کار، تعیین می‌کنند که زنان چه نقشی را می‌توانند یا نمی‌توانند ایفا کنند و در درون این نظام زنان در همه جا تحت انقیاد مردان قرار می‌گیرند. این ضرورتاً به معنای آن نیست که هیچ زنی قدرت ندارد یا اینکه همه زنان در یک فرهنگ خاص از اختیار و قدرت خاصی برخوردار نیستند [۷].

آنچه از تعریف فوق به دست می‌آید، این است که در تمام ساحت‌ها و ابعاد زندگی آدمیان که در آن رابطه میان دو جنس به شکلی قابل تصویر است، پدرسالاری و ستم جنسی وجود دارد. هم‌چنان که تمامی زنان به عنوان یک طبقه از آسیب‌های یک نظام سلطه در رنجند، تمامی مردان نیز بر طبقه زنان اعمال قدرت و ستم می‌کنند، اگرچه برخی از مردان، می‌توانند برای غلبه بر این نظام سلطه تلاش کنند [۸].

مردسالاری از نظر فمینیسم رادیکال مقوله‌ای عام است به این معنا که تمامی ساحت‌های فرهنگ، اجتماع، سیاست، اقتصاد و حتی دانش و زبان را نیز شامل می‌شود. این نظام هماهنگ سلطه امری است فراتر از مقوله فرهنگ، سیاست و اقتصاد، چرا که سلطه مردسالارانه به گونه‌ای هماهنگ و نهاده‌ی شده در تمامی این عرصه‌ها وجود دارد.

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت پدرسالاری واژه‌ای به گستردگی تاریخ بشر است که برداشت‌های گوناگونی از آن می‌شود. برخی آن را ریشه و منشأ همه مشکلات زنان می‌دانند و برخی دیگر آن را عامل طبیعی تلقی می‌کنند. با این حال پدرسالاری واقعیتی غیرقابل انکار است که آثار آن در سطوح گوناگون جامعه گاه به صورت خشن و گاه به صورت نرم ملموس است. در شکل خشونت‌آمیز، زنان باید تابع مردان باشند و به صورت نرم، با الفاظی همچون مراقبت از زنان توجیه می‌شود.

اما حکمت الهی بر آفرینش زن و مرد قرار دارد و این دو با هم در ساخت و حفظ خانواده و جامعه سهیم هستند و جامعه مطلوب، جامعه‌ای مرکب از زنان و مردان است که با هم و در کنار هم باشند تا گوهر انسانی آنها هویدا شود. به هر حال پدرسالاری از مباحثی است که توجه بسیاری را به

خود جلب کرده و در برخی از گرایش‌های فمینیستی به کلیدواژه تبدیل شده است. ما بدون هیچگونه جانب‌داری، فقط برای اینکه علاقمندان به این حوزه با این واژه و نظرات مربوط به آن آشنا شوند این کتاب را ترجمه کردیم زیرا برای حضور در عرصه‌های علمی باید از مباحث مطرح شده در سطوح گوناگون اطلاع داشته باشیم تا بتوانیم تحلیلی صحیح ارائه دهیم. ترجمه این کتاب فقط برای آگاهی از شرایط و برداشت‌های جامعه هند از واژه "پدرسالاری" است. نویسندگان کتاب سعی بر آن داشته که فضای پدرسالارانه هند را با نظریه‌های موجود فمینیستی درهم آمیزد و به شکلی ساده، درک و سطح آگاهی جامعه را ارتقا بخشد.

امید است علاقه‌مندان به حوزه مطالعات زنان در کشور با تولید آثار جدید براساس آموزه‌های فرهنگ ایرانی اسلامی و با روش‌های علمی در این عرصه پیشگام شوند.

تهران

بهار ۱۳۹۴

مقدمه نویسنده

بسیاری از ما که سال‌ها مشغول برنامه‌ها و فعالیت‌های گوناگون در زمینه شکوفایی، تکوین و رشد زنان هستیم، دریافته‌ایم که شناخت نظامی که زنان را تحت سلطه و انقیاد قرار می‌دهد، امری بایسته است و باید پرده از کارکرد این نظام برداشت تا بتوان برای شکوفایی زنان به شیوه‌ای نظام‌مند عمل کرد. سال‌ها به تلاش احزاب زنان به صورت روشی از هم گسیخته نگاه می‌کردم زمانی که شروع به دیدن آنها به عنوان بخشی از یک نظام (نظام پدرسالاری) کردم، تکه‌ها در کنار هم شکلی کلی به خود گرفتند. در ابتدا فهم این مسئله آسان نبود [زیرا] آموزش یا تحصیلات دانشگاهی ندیده بودم تا به سرعت مفاهیم و امور انتزاعی را درک کنم [بلکه] به تدریج با توجه به گفته‌های دوستان دانشگاهی، و خواندن کم و بیش از گوشه و کنار مسائل برایم شفاف‌تر شدند. آنچه در حقیقت مرا یاری رساند کارگاه آموزشی یک ماهه‌ای در زمینه "زنان و توسعه" بود که چند سال قبل در بنگلادش به همراه "آرمیتا چاچی" (از مؤسسه مطالعات اجتماعی هاگو^۱) در جایگاه رئیس میزگرد^۲ ترتیب داده شده بود. آن کارگاه بسیاری از مسائل

^۱ Armita Chhachhi

^۲ Hague

^۳ Resource Person

و مفاهیم را نه تنها برای من بلکه برای بیشتر شرکت‌کنندگان روشن ساخت.

از آن سال (۱۹۸۷) در پی تألیف مقاله‌های ساده و کوتاه با موضوع پدرسالاری بودم تا با فعالان مرد و زن به اشتراک بگذارم. بیشتر مطالبی که خواندم یا فهم‌شان بسیار دشوار بود، یا بسیار دست و پا شکسته بودند و یا دانش اولیه در خصوص موضوع را می‌طلبیدند. از این رو درخصوص پدرسالاری مباحثی را در قالب کارگاه‌های مختلف به کمک یادداشت‌هایم و سخنرانی آرمیتا در بنگلادش ترتیب دادم. طی این مباحث من به درک شفاف‌تری دست پیدا کردم و تعدادی مقاله و کتاب بسیار مناسب یافتم و عهد کردم ضمن علاقه به آموخته‌هایم، آنها را به صورت قابل فهم ارائه کنم، امید است از آن بهره‌مند شوید.

در این اثر برآنم که پدرسالاری را آنگونه که در زندگیمان تجربه می‌کنیم و به عنوان مفهومی که انقیاد زنان را به تصویر می‌کشد، بررسی کنم. برخی نظریه‌ها با توجه به منشأ ظهورشان بسیار گذرا معرفی شده‌اند، ازاینرو درک جزئیات بیشتر مطالعات بیشتری را می‌طلبد. این اثر برای فعالانی تهیه شده است که امکان دسترسی به کتاب‌ها و مجله‌ها را نداشته و یا زمان کافی برای مطالعه همه آنها را ندارند. امید است نام نویسندگانی که از آثار آنها بهره برده‌ام مسبب تشویق برخی از علاقمندان به مطالعه بیشتر در این زمینه شود. زیرا به تعقل بیشتر در مورد ماهیت، خاستگاه و ریشه پدرسالاری در آسیای جنوبی شدیداً نیازمند هستیم. تا از این طریق به درک بهتری از وضعیت خویش نائل آییم. مطالب به شیوه پرسش و پاسخ ارائه شده‌اند، شیوه‌ای که قبلاً در کتاب "فمنیسم" از آن بهره بردم، زیرا این شیوه سبب جذب علاقمندان خواهد شد.